آرمان ملی
armanmeli.ir
سال هشتم
شماره ۲۰۹۹
دوشنبه
۱۴۰۴•۰۲•۱۵
۷ ذی‌القعده ۱۴۴۶/ ۵ می ۲۰۲۵

ذره بین

مصطفی هاشمی طبا مطرح کرد

دولت و تصمیماتِ سخت در سال جاری

قالیباف دو سال پیش گفت باید تصمیمات سخت و محکم بگیریم خب؛ کجاست؟

یک فعال سیاسی در خصوص تصمیمات سخت دولت در سالجاری و حوزه‌های این تصمیمات اظهار داشت: همه تصمیماتی که در کشور گرفته می‌شود، همدیگر را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. ما تاکنون از بسیاری چیزها غافل بوده‌ایم؛ یا تصمیماتی را نگرفتیم و یا تصمیمات بدی گرفتیم. همه این‌ها انباشت شده است. من اصلا به سیاست خارجی کاری ندارم چون موضوع دیگری است. اما در مورد مثلا مسائل زیست محیطی یا مواردی که به آینده مرتبط است سال‌ها بعد تصمیم‌گیری شده و عقب‌افتادگی پیدا کرده‌ایم. مدام فکر می‌کردیم از همه بهتر هستیم و بهتر از همه کار کرده‌ایم؛ در حالی که اینگونه نیست. بنابراین تصمیمات سخت، یکی دوتا نیست. خبرآنلاین نوشت؛ سیدمصطفی هاشمی طبا بیان داشت: هم از نظر زیست محیطی، هم از نظر آب، هم خاک و... در حال ریزش هستیم. به هرحال این‌ها باعث ایجاد مسائل اجتماعی جدید می‌شود. مثلا الان مسائلی بین یزد و اصفهان و جاهای دیگر وجود دارد. این به خاطر تصمیمات نادرستی بوده که همیشه ما گرفتیم و مردم هم از آن مطلع نبوده‌اند. از سمت دیگر تاسیسات‌مان هم دچار تخریب، کهنگی و فرسودگی شده و به بازسازی آن نپرداخته‌ایم وی افزود: همه این‌ها مشکلاتی است که در کشور داریم. بدمصرفی داریم؛ سال‌هاست هم خودرو بنزینی پرمصرف تولید می‌کنیم و هم اینکه این همه مصرف انرژی در کشور داریم. ما روزانه معادل هشت تا ۹ میلیون بشکه نفت داریم، نفت و گاز مصرف می‌کنیم. خیلی تصمیمات است که باید گرفته شود. علاوه بر این‌ها، مساله سیاست خارجی و مشکلاتی هم دولت‌هایی چون آمریکا داریم. وقتی هم که به یک موضوع می‌پردازیم از موضوع دیگر غافل می‌شویم. تصمیم سخت این است که بپرسیم می‌خواهیم چه کارکنیم؟ آیا اصلا می‌خواهیم ایران وجود داشته باشد یا نه؟ وی در اولویت‌بندی این تصمیمات بیان کرد: اولویت این است که ببینیم اصلا می‌خواهیم ایرانی وجود داشته باشد یا نه؟ این مساله تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است. هم در داخل‌مان مشکلات بسیار زیادی داریم و این مشکلات را ایجاد کرده‌ایم و هم متاسفانه همسایه‌های خوبی نداریم. من با اینکه مهاجرپذیر باشیم و آدم‌هایی بیایند در مملکت ما زندگی کنند، مخالف نیستم اما وقتی طبق آمار چند میلیون افغانستانی پشتون در ایران زندگی می‌کنند؛ احساس خوبی ندارم. یعنی اگر ما فقط از سمت افغانستان تهدید شویم دچار مشکلات بسیار زیادی در داخل خواهیم بود. این‌ها مسائل ساده‌ای نیست؛ مسائل بسیار سنگینی است و اصلا نیازی نیست که آمریکا به ما حمله کند. این‌ها جزو اولویت‌ها است. وی ادامه داد: چطور مرز را باز می‌گذاریم که این همه پشتون وارد کشور ما شوند؟ در حالی که در تهران دولت تاکنون اجازه مسجد اهل تسنن نداده، در عبدل‌آباد نماز جمعه اهل تسنن افغانستانی با چندین هزار افغانستانی برگزار می‌شود. در شیراز نماز عید فطرشان شاید با ۵۰ هزار نفر برپا می‌شود و این موضوع می‌تواند یک تهدید برای کشور باشد. این مساله فقط از یک سمت مرزی است. ما از سوی مرزهای دیگر هم دچار چنین مشکلاتی هستیم. اما من متوجه نمی‌شوم که چرا دولت نسبت به این مسائل بی‌توجه است. این‌ها یکسری از مسائل اجتماعی و سیاسی است. خلاصه آن‌که احساس خوبی ندارم، احساس می‌کنم که کشور دچار مشکلات اساسی است.

درست یا نادرست

هاشمی‌طبا عنوان کرد: من الان هفت، هشت سال است که راجع به این مسائل می‌گویم و می‌نویسم اما کوچک‌ترین توجهی نمی‌شود. فقط یکسری از آدم‌ها، دهان خود را باز می‌کنند و حرف‌های بی‌خود می‌زنند. در بحث اجتماعی، داخلی، زیر خط فقربودن، مصرف فوق‌العاده یا بحث هدردادن ارز یکی دوتا مساله نیست. هرجا دست بگذاریم مساله داریم. چطور ممکن است در طول ۱۵ روز تعطیلات عید نوروز، ۶۰۰ کشته بدهیم؟ این یعنی ما بلد نیستیم کار مملکت را ساماندهی کنیم. همه این حرف‌ها به ساحت سیاست برمی‌گردد. اینکه ما چگونه مملکت را اداره کنیم بحث تصمیمات سیاسی است. این فعال سیاسی در این خصوص که راه‌حلی هم برای این مساله وجود دارد، اظهار کرد: بعضی وقت‌ها مساله به جایی می‌رسد که راه‌حلی وجود ندارد. مثل این می‌ماند که یک نفر یک چاه ۲۰۰ متری بکند و سنگی داخل آن بیندازد و به دیگران که از آنجا عبور می‌کنند بگوید این سنگ را از چاه در بیاور. اما آن سنگ را به‌راحتی نمی‌توان درآورد؛ وقتی مسائل باهم انبار می‌شود و برای هیچکدام راه‌حل پیدا نمی‌شود. هاشمی‌طبا تصریح کرد: آقای قالیباف دو سال پیش گفتند که باید تصمیمات سخت و محکم بگیریم. خب؛ کجاست؟ همه تصمیمات در جهت بن‌بست است.

«آرمان ملی» پیشنهاد محمدجواد آذری جهرمی در خصوص تغییرات در دولت را بررسی می‌کند

اصلاح و تغییر با درایت رئیس جمهور؛ نه فشار دلواپسان

تندروها کارشکنی نکنند تا دولت کار خود را انجام دهد

آرمان ملی- حمید شجاعی: قریب هشت ماه است که دولت چهاردهم مسعود پزشکیان روی کار آمده و طی این مدت با اتفاقات مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، نیز مواجه بوده که بسیاری از آنها بر عملکرد دولت به طور مستقیم تاثیرگذار بوده است. حداقل تاثیرات اتفاقات ریز و درشت داخلی و خارجی بر اقتصاد کشور و معیشت جامعه به طور محسوسی احساس شده و جامعه آن را لمس کرده است. این در حالی است که از همان روزهای ابتدایی تشکیل دولت جریان سیاسی حامی و همراه رئیس جمهور و همچنین دلسوزان نسبت به ترکیب و چینش کابینه به مسعود پزشکیان مشاوره‌هایی می‌دادند که در وزارتخانه‌های مختلف از افراد نخبه و کارآزموده‌ای استفاده کند که بتوانند در حوزه تحت اختیار و مسئولیت خود تحول ایجاد کنند تا حدی که جامعه این مساله را احساس کند. اما با وجود این مشاوره‌ها اعلام لیست کابینه باعث تعجب بسیاری گردید و برخی انتقادات نیز به رئیس جمهور از این رو وارد شد. اما پزشکیان با این نگاه که رویکرد دولت وفاق است در برخی وزارتخانه‌ها چهره‌هایی را به مجلس معرفی کرد که بتوانند از مجلس رای اعتماد بگیرند. مجلسی که به قرائت عده‌ای از کارشناسان به وفاق از دریچه فکری خود نگریسته و از این رو است که هنوز دولت به ۹ ماه نرسیده از ماه‌ها قبل پروژه استیضاح وزرا را کلید زده است. واقعیت امر بر آن است که تعامل امروز مجلس و دولت که به بیان بهتر باید واژه تقابل را برای آن در نظر گرفت به جهت رویکردهای وفاقی پی‌درپی رئیس جمهور و دولت با تندروها و دلواپسانی است که از هیچ چیزی رویگردان نیستند و تمام تلاش خود را برای تخریب و زمینگیرکردن دولت پزشکیان به کار می‌برند. لذا دولت پزشکیان نیز به جای اینکه صرفا کار را با بده‌بستان‌های سیاسی و لابی‌گری پیش ببرد بهتر بود تا موضعی قاطع در قبال مجلسی‌ها اتخاذ می‌کرد تا بهارستان‌نشینان نتوانند به لطایف‌الحیل و بهانه‌های واهی وزرای موفق دولت را به استیضاح بکشند. نمونه شفاف و واضح این امر را می‌توان در استیضاح جناحی و سیاسی عبدالناصر همتی وزیر سابق اقتصاد دید که تندروها با بهانه‌های واهی و سیاسی و نه نگاه کارشناسی و اقتصادی او را کنار گذاشتند؛ همتی که از زمان روی کار آمدنش یکی از عملکردهای موفقش سروسامان دادن به بورس و مثبت شدن شاخص‌ها بود. در ادامه این روند شاهدیم که چندی است تندروها در پی استیضاح سیاسی دومین وزیر موفق دولت پزشکیان یعنی فرزانه صادق وزیر راه و شهرسازی و تنها وزیر زن پزشکیان هستند و با این رویه برای دولت و رئیس جمهور شمشیر را از رو بسته‌اند. چه اینکه پیش از این نیز که مطرح شد دولت به احتمال فراوان سیدعلی مدنی‌زاده را به عنوان وزیر پیشنهادی اقتصادی به مجلس معرفی کند، تندروهای مجلس وزیر پیشنهادی نیامده شمشیر از رو بسته و گفته‌اند: «اگر قرار باشد گزینه‌ای بیاید که همین مسیر را ادامه دهد ما که علاف نیستم وقت خودمان و مردم را بگیریم.» لذا پر واضح است که تندروها در پی اعمال نفوذ و فشار به دولت برای انتخاب و معرفی وزیری همراستا و هم‌نظر با دلواپسان بهارستان هستند. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد که رئیس جمهور باید با یک ارزیابی عملکرد نسبت به وزرای خود در راستای بالندگی و بهبود عملکردها، وزرایی را که عملکرد چندان موفقی نداشته‌اند تعویض و چهره‌های شایسته‌تر و کارآمدتری را جایگزین کند. امروز با گذشت قریب به هشت ماه از روی کارآمدن دولت می‌توان یک برآیند عملکردی از وزرا داشت و مشخص کرد که کدام وزیر عملکردی بهتر و کدامیک عملکردی انتقادآمیز داشته است.

تغییر در مسیر بهبود

در این بین اما شاید بتوان در میان وزرای مختلف دولت صرفا ۲ وزیر دولت یعنی علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش و عباس علی‌آبادی وزیر نیرو را شایسته تغییر دانست. کاظمی که از همان ابتدا مورد انتقاد فرهنگیان بود و انتقادات زمانی شدت گرفت که پس از امضای تفاهمنامه همکاری وزارت آموزش و پرورش و فراجا، وزیر در سخنانی جنجالی گفت: «ما در هر حوزه‌ای که سردار رادان بگوید، سرباز ایشان هستیم.» همین موضع باعث شد تا بسیاری از فعالان این حوزه شیوه رفتار کاظمی را با دولت وفاق یکسان ندانند. عباس علی‌آبادی در حوزه وزارت نیرو عملکردش به نحوی بوده که دیگر نه منتقدان که حتی نماینده‌هایی که با وی همسو و همراه بودند به انتقاد از عملکرد او پرداخته و در پی استیضاح او برآمده‌اند. اگرچه نمی‌توان گفت که مقصر اصلی ماجرای ناترازی‌ها علی‌آبادی است، اما قصور را نمی‌توان نادیده گرفت. این در حالی است که آقای وزیر تقصیر ناترازی‌ها را به گردن همه می‌اندازد، اما خود را کلا از آنچه رخ داده مبرا می‌داند. لازم به ذکر است که علی‌آبادی از وزرای دولت سیزدهم بود که مجلسی‌ها رای بالایی به وی دادند و جالب است که امروز منتقد وزیر شده‌اند.

پیشنهاد آذری جهرمی

روز شنبه بود که وزیر سابق ارتباطات و از حامیان رئیس جمهور در انتخابات با انتشار مطلبی لزوم تغییرات در دولت را گوشزد کرد. محمدجواد آذری جهرمی در کانال تلگرامی خود نوشت: «هفت ماهی از عمر دولت جدید می‌گذره، دولتی که بعد از فقدان ناگهانی رئیس‌جمهور سیزدهم سکان اداره کشور را با رای مردم به دست گرفت، اما شاید اون آمادگی لازم برای یه شروع پرقدرت رو نداشت. تو این مدت، وسط سهم‌خواهی‌های سیاسی حامیان و مدعیان وفاق، قوانین فرصت‌کش دست‌وپاگیر و مجلسی که انگار با دولت هم‌جهت نیست، رئیس‌جمهور چهاردهم یه لیست وزرا به مجلس فرستاد که شاید خودش هم ته دلش به کارایی‌شون مطمئن نبود.» وی افزود: «نه ماه پر از التهاب و نگرانی گذشت، اتفاقات سنگین سیاسی تو منطقه، ناترازی‌های انرژی که حسابی مردم رو کلافه کرده و البته ناآمادگی دولت برای مدیریت این بحران‌ها، روزگار سختی رو برای ملت امیدوار به دولت جدید رقم زد. حالا اما، رئیس‌جمهور کم‌کم داره به معادلات سیاسی و اقتصادی کشور و منطقه مسلط می‌شه و شناخت بهتری هم از تیمش پیدا کرده، از اون طرف، جریان غالب تو مجلس، که انگار بیشتر دنبال رقابت سیاسیه، شمشیر اصلاح رو کشیده و می‌خواد با استیضاح وزرا، خودش رو قهرمان تغییر و ناجی مردم نشون بده.» آذری جهرمی در ادامه عنوان کرد: «پیشنهاد من به دکتر پزشکیان اینه: بدون رودربایستی، خودتون پیش‌قدم بشید برای اصلاح و ترمیم کابینه. شما جراح ماهر و دلسوز این ملتید، نه اونایی که تو مجلس فقط صداشون بلنده. مشکل اداره کشور با شمشیر اون‌ها حل نمیشه، نیاز به تیغ جراح ماهر داره. آقای رئیس جمهور! به صلاح شماست که خودتون پرچم اصلاح و ارتقای اثربخشی و کارآمدی دولت رو بلند کنید» اما این یادداشت تلگرامی آذری جهرمی که از سر دلسوزی برای رئیس جمهور و دولت منتشر شده با مواجهه تندروها و دلواپسان روبه‌رو شده و آنها با مصادره به مطلوب صحبت‌های جهرمی او را منتقد و نگران دولت خوانده‌اند. اما واقعیت این است که دولت پزشکیان هم برنامه اقتصادی مشخصی دارد و هم رویکردها و راهبردهای مشخصی در سیاست داخلی و سیاست خارجی و تنها مشکل تندروهایی هستند که با ربط و بی‌ربط چوب لای چرخ دولت می‌گذارند به انحاء مختلف دولت را تخریب می‌کنند. اگر تندروها اجازه دهند و از تریبون‌های مختلف چه مجلس و چه رسانه‌هایشان به دنبال زمینگیرکردن دولت نباشند دولت پزشکیان به خوبی می‌داند که در حوزه‌های مختلف چگونه عمل و در راستای حل مشکلات کشور تلاش کند.

«آرمان ملی» حاشیه‌های جلسه اخیر شورای شهر تهران را بررسی می‌کند

جنجال در بهشت

اقراریان: زاکانی در شورای شهر تهران سینه چاکانی دارد! **چمران خطاب به مخالفان زاکانی: با این روش‌ها رای نمی‌آورید**

آرمان ملی- سهیل ثابت: مناسبات و تعامل شورای شهر تهران با شهردار در نوع خود جالب توجه است و اگر کسی از این روابط اطلاعی نداشته باشد و امروز به روابط میان شورای شهر و شهردار تهران ورود کند تصور می‌کند که اکثریت شورای شهر تهران با علیرضا زاکانی در مقام شهردار تهران موضع و مشکل دارند. این در حالی است که طی این سال‌ها شاید تنها کسی که تمام‌قد پشت شهردار تهران ایستاده و از او حمایت کرده مهدی چمران رئیس شورای شهر است که تحت هر شرایطی و با انواع انتقادی که از زاکانی در موضوعات مختلف شده در مقام حمایت از او برآمده است. اما شاید شرایط امروز اعضای شورای شهر و نارضایتی آنها از شهردار تهران مصداق این بیت شعر باشد که «این محنتی که می‌کشم از تنگی قفس/ کفران نعمتی است که در باغ کرده‌ام.» همان زمانی‌که در روزهای نخست اعضای شورا به‌دنبال انتخاب شهردار بودند و نام علیرضا زاکانی هم مطرح بود بسیاری از انتقادات را در خصوص وی شنیدند، اما ترجیح دادند که انتقادات نسبت به احتمال شهردار شدن زاکانی را نشنوند و رویه خاص خود را پیش بگیرند. آنها نخواستند بشنوند که زاکانی حتی یک روز سابقه کار اجرایی ندارد، نخواستند بشنوند مدرک تحصیلی زاکانی تطابقی با امور شهری و شهرداری ندارد. امری که صدای بسیاری را درآورد و البته مسائل مختلف دیگری که اعضای شورا یا نخواستند بشنوند یا بدان توجه نکردند و در نهایت زاکانی را به‌عنوان شهردار تهران انتخاب کردند تا امروز در چهارمین سال مدیریت او بر شهرداری تهران انتقادات ریز و درشت خود را به سمت او روانه کنند. لذا اگر بگوییم این اختلاف و نقاری که امروز در شورا میان اعضا و آقای شهردار سایه افکنده از همان تصمیم اشتباه ابتدایی است سخنی به گزافه نرفته است. برای درک بهتر این موضوع کافی است طی ماه‌های گذشته یا به بیان بهتر طی دو سال گذشته نوع مواجهه اعضای شورای شهر تهران با علیرضا زاکانی شهردار تهران را مرور کنیم تا به دست آید عمق این اختلافات و شرایط نه چندان مناسب میان شورا و شهرداری تا چه حد بوده و هست. چنان که شاهدیم که هر از چندی در صحن شورا یکی از اعضا در موضوعی خاص انتقادات تندی را متوجه شهردار تهران کرده است. کافی است که فقط نگاهی به جلسات و مذاکرات شورای شهر تهران بیندازیم تا مشخص شود که رویکرد اعضای شورا نسبت به شهردار منتخب‌شان آن هم پس از ۴ سال چگونه است. البته عملکرد شهرداری زاکانی به اندازه‌ای انتقادآمیز بوده که نه تنها شورا که مردم عادی در جامعه نیز چندان رضایتی از این عملکرد نداشته و ندارند. چنانکه نمود این اعتراضات را می‌توان در کارزارهای مختلفی که بر علیه عملکردها و اقدامت وی به راه افتاده دید. چنان که در سیصد و هجدهمین جلسه شورای شهر تهران مهدی اقراریان، رئیس کمیته نظارت شورای شهر تهران در صحن علنی شورا خطاب به شهردار تهران تذکری مهم داد و خواستار ارزیابی دقیق وعده‌ها و تعهدات شهردار طی چهار سال گذشته شد. وی با اشاره به تمدید دوره شورای ششم به مدت ۱۰ ماه، تاکید کرد که شهردار باید مطابق با تعهدات خود عمل کند و در صورت عدم تحقق این وعده‌ها، تغییر شهردار در مدت باقی‌مانده باید مورد توجه قرار گیرد. این در حالی است که اکثریت شورا با زاکانی و عملکرد او مخالف است، اما اقلیتی از جمله رئیس شورا حامی او است و به عقیده عده‌ای نیز اگر نبود حمایت‌های رئیس شورا شاید زاکانی زودتر از اینها برکنار شده بود.

جنجال در شورا

روز گذشته بود که صحن شورای شهر تهران شاهد بحث و جدل‌هایی میان اعضای شورا با یکدیگر بود. چنانکه این خبر و ویدئوهای آن به سرعت در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. مهدی اقراریان که یکی از مخالفان قاطع علیرضا زاکانی در شورای شهر است در سخنانی اظهار داشت: درباره چرایی وضعیت کنونی تهران باید گفت آقای زاکانی بدون سابقه اجرایی و تخصص شهردار تهران شد. آقای زاکانی شهر تهران محل آزمون و خطا نیست جابه‌جایی پنج مدیر نشان دهنده این است که حتی در انتخاب مدیر خود مشی مشخصی ندارید برای پنجمین بار در یک دوره سه ساله مدیرعامل مترو تغییر کرد. وی افزود: آقای زاکانی قرار بود چهار سال شهردار تهران باشد و از آنجا که زاکانی در شورای شهر تهران سینه چاکانی دارد، اگر شورا می‌توانست، زاکانی دیگر شهردار تهران نبود. در پایان دوره ۴ ساله وضعیت شهر اینگونه است؛ فکر می‌کنید با بسیج امپراتوری رسانه‌ای می‌توانید نمایشی از موفقیت خود ایجاد کنید؟ مردم تهران روزانه درباره شما قضاوت می‌کنند. جعفر شربیانی دیگر عضو شورای شهر تهران نیز با اشاره به گزارش خود به شورا اظهار کرد: «گزارش من مبتنی بر کارنامه مدیریت شهری بود، نه تسویه حساب شخصی. بر کسی پوشیده نیست که امروز در شورای شهر تهران شکاف‌هایی وجود دارد، اما بعضی از دوستان معتقدند که نباید این مسائل مطرح شود یا بیان گردد. ولی به نظر من، چون برخی همکاران مدافع عملکرد شهردار و تفکر حاکم بر مدیریت شهری در تهران هستند، احساس کردند باید از خودشان و مدیریت شهری دفاع کنند. به نظر می‌رسد اگر قرار باشد امروز برای تهران شهردار انتخاب کنیم، آقای زاکانی کار سختی را در پیش دارد. تجربه این چهار سال پیش روی ماست. من بر اساس این تجربه صحبت می‌کنم و وقتی به کارنامه می‌نگریم، برخی شاخص‌ها و مؤلفه‌ها متأسفانه نمره خوبی ندارند.» اما این سخنان بی‌پاسخ نماند و در ادامه مهدی چمران رئیس شورای شهر نیز در مقابل مخالفان ایستادگی کرد.

اعتبار خود را نابود نکنید!

مهدی چمران رئیس شورای اسلامی شهر تهران که پس از نطق‌های تند شربیانی، اقراریان و امانی صحبت می‌کرد، با تأکید بر لزوم وحدت و کار جمعی خطاب به همه اعضای شورای شهر گفت: با این روش‌ها رای نمی‌آورید. مردم از اختلاف و درگیری بیزارند. به جای بازی‌های سیاسی، به فکر حل مشکلات شهروندان باشید و از مسئولیت خود در پیشگاه خداوند آگاه باشید. وی با اشاره به تجربه‌های شکست‌خورده دوره اول شورای شهر تهران، از اعضا خواست از گذشته درس بگیرند و افزود: شورای شهر جای حاشیه‌سازی و جنجال‌آفرینی نیست؛ اینجا محل خدمت‌رسانی به مردم است. در این جلسه، اکثریت نمایندگان شورای شهر با مواضع چمران همراهی کردند و اظهارات او را فصل‌الخطاب دانستند.

منفعت‌طلبی یا دغدغه مردم؟

پیش‌تر فاش شده بود که برخی از این منتقدان که روزی به شهردار فعلی رای دادند، به‌دلیل اجابت نشدن خواسته‌های شخصی، به مخالفان پرحاشیه تبدیل شده‌اند. این چندمین‌بار است که چمران با یادآوری «سرنوشت تلخ شورای شهر اول»، به برخی اعضا هشدار می‌دهد که مسیر تخریب و حاشیه‌سازی را ادامه ندهند.

گزارش

۶ عامل ممکن‌کننده توافق ایران و آمریکا

ترامپ به جنگ «نه» می‌گوید

مذاکرات سال ۲۰۱۵، که مملو از چالش‌های قابل‌توجهی بود، در نهایت به توافق شکننده برجام منجر شد. آن توافق امیدهایی را برای لغو تحریم‌ها و عادی‌سازی روابط ایران با جهان غرب ایجاد کرد. مدرن دیپلماسی مدعی شد؛ با این وجود، آن توافق زودگذر بود و هرگز به اهداف مورد نظر خود نرسید. برجام در نهایت به‌دلیل ضعف‌های ساختاری، فشارهای مخالفان توافق و بی‌اعتمادی مداوم بین طرفین با شکست مواجه شد. با خروج دولت ترامپ از آن توافق، تنش‌ها بین تهران و واشنگتن دوباره تشدید شد و منطقه خاورمیانه را در آستانه بحران‌های پیاپی قرار داد. برخلاف فضای دشوار و بحث‌برانگیز مذاکرات منتهی به برجام، ۶ عامل برجسته اکنون مسیر هموارتری را به سوی یک توافق جدید تسهیل می‌کنند و چشم‌انداز موفقیت آن را افزایش می‌دهند. مذاکرات فعلی بین ترامپ و ایران به طور قابل‌توجهی متفاوت از مذاکرات منتهی به برجام در سال ۲۰۱۵ میلادی است، زیرا دوطرفه است و عمان صرفا به‌عنوان یک میانجی بی‌طرف عمل می‌کند. این رویکرد ساده ذاتا چشم‌انداز موفقیت را افزایش می‌دهد. ماهیت چندجانبه برجام، که شامل ۶ قدرت جهانی در کنار ایران بود، پیچیدگی‌هایی را ایجاد کرد که ناشی از تضاد منافع و رقابت‌ها بین بازیگرانی مانند چین، روسیه، ایالات‌متحده و اروپا بود. به طورکلی، تعداد بیشتر شرکت‌کنندگان در مذاکره، چالش‌های هماهنگی، مدیریت گفت‌وگو، همسویی منافع ملی و مقابله با مانع‌تراشی از سوی مخالفان را افزایش می‌دهد.

انگیزه میراث ترامپ

رویکرد ترامپ به ایران به‌جای درگیری‌های ایدئولوژیک، توسط اهداف استراتژیک هدایت می‌شود. اولویت‌های او در امور اقتصادی، اختلافات تجاری و حل مناقشاتی مانند درگیری‌های اوکراین و غزه نهفته است. پرونده ایران اگرچه مهم است، اما یکی از عناصر دستور کار گسترده‌تر اوست. ترامپ با درس گرفتن از جنگ پرهزینه عراق، به‌دنبال جلوگیری از یک درگیری طولانی دیگر در خاورمیانه است. همان طور که او در سال ۲۰۱۸ اظهار داشت: ایالات متحده «هفت تریلیون دلار را در خاورمیانه بدون کسب هیچ دستاوردی هدر داد.» ترامپ اکنون در آخرین دوره ریاست جمهوری احتمالی خود بر حفظ میراثی ماندگار متمرکز شده است و آرزوی بزرگی ریاست جمهوری و حتی جایزه صلح نوبل را دارد. او احتمالا توافق با ایران را در کنار حل سایر درگیری‌ها، راهی برای دستیابی به این هدف می‌داند. محاسبات استراتژیک ایران، توافق را بر جنگ بالقوه ویرانگر با ترامپ ترجیح می‌دهد. یک درگیری نه تنها هزینه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی قابل‌توجهی را تحمیل می‌کند، بلکه زیرساخت‌های هسته‌ای ایران و اهرم چانه‌زنی آینده آن کشور را نیز به شدت به خطر می‌اندازد. علاوه بر این، محدودیت‌های اقتصادی ایران اجتناب از جنگ را ضروری می‌سازد.

اولویت رژیم صهیونیستی

پس از ۷ اکتبر و پیشرفت هسته‌ای شتاب‌یافته ایران پس از خروج آمریکا از برجام، نگرانی اصلی اسرائیل به طور قاطع به مهار قابلیت‌های هسته‌ای و موشکی ایران تغییر یافته است. در طول برجام، منابع مالی تقویت شده ایران و تقویت گروه‌های نیابتی وابسته به آن کشور، اسرائیل را عملا در محاصره قرار داد و درگیری‌های نیابتی را به دغدغه اصلی مقام‌های اسرائیل تبدیل کرد. با این وجود، تهدید مستقیم ایران هسته‌ای اکنون بر این امر غلبه کرده است. در نتیجه و برخلاف موضع اسرائیل در سال ۲۰۱۵، آن رژیم به گفته نتانیاهو اکنون از یک توافق قوی که برنامه هسته‌ای ایران را محدود سازد حمایت می‌کند و محدودیت‌های خود را در حمله یکجانبه به تاسیسات ایران بدون حمایت ایالات‌متحده به رسمیت می‌شناسد و اولویت فوری آن رژیم دستیابی به توافقی است که به طور آشکار برنامه‌های هسته‌ای ایران را به عقب می‌راند.

پراگماتیسم (عملگرایی)

کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس: کشورهای عربی خلیج‌فارس ثبات منطقه‌ای را در اولویت قرار می‌دهند و از پیامدهای شدید درگیری ایالات‌متحده و ایران که ناگزیر سرزمین و اقتصادهای آنان را در بر خواهد گرفت، آگاهی دارند. فقدان قابلیت‌های دفاعی مستقل قوی، آسیب‌پذیری آن کشورها را افزایش می‌دهد. برخلاف سال ۲۰۱۵ میلادی زمانی‌که آن کشورها عمدتا ایران پس از تحریم‌ها را به‌عنوان تهدید اصلی قلمداد می‌کردند، چشم‌انداز پس از ۷ اکتبر درک آنان را تغییر داده است، به طوری که اقدامات اسرائیل اکنون با نگرانی بیشتری مشاهده می‌شود. این کشورها با مشاهده تاثیر درگیری‌های منطقه‌ای، مشتاق جلوگیری از بی‌ثباتی بیشتر هستند. در نتیجه، آنان دیگر تمایلی به مانع‌تراشی در مسیر مذاکرات ایالات‌متحده و ایران ندارند. آنان احتمالا از نفوذ دیپلماتیک و رسانه‌ای خود برای تسهیل توافق استفاده خواهند کرد. آنان یک ایران باثبات را که در برابر اقدامات اسرائیل از خود همبستگی نشان می‌دهد، به عنوان شریک منطقه‌ای مطلوب‌تری برای حفظ تعادل قدرت در مقایسه با شریکی که بر اثر درگیری تضعیف شده باشد، قلمداد می‌کنند.